



## طلاق های سال اول ازدواج را دریابید

زندگی زناشویی زمانی سالم و پایدار می‌ماند که سه شرط در آن رعایت شود.

زندگی زناشویی زمانی سالم و پایدار می‌ماند که سه شرط در آن رعایت شود.

انتخاب مناسب، مراقبت و آموزش مناسب بعد از ازدواج و مراجعه به موقع به مشاور مجرب. من بارها برای همسران جوان استعاری مقایسه‌ی ازدواج با تولد و رشد فرزند را گفته‌ام. همان طور که وقتی کودکی به دنیا می‌آید، اگر بخواهیم سی سال بعد جوان برومندی باشد سه شرط لازم است:

این نوزاد سالم به دنیا بیاید، بعد از به دنیا آمدن به خصوص در سال‌های اول که نوزاد خیلی آسیب پذیر است از او خیلی مراقبت شود و سوم هم این‌که اگر کودک مریض شد، سریع او را به دکتر برسانیم. اگر این استعاره را در نظر بگیریم ما باید به ازدواج‌هایی که شکل می‌گیرد، مثل تولد یک نوزاد فکر کنیم. من به عنوان مشاور سی سال است دارم در حوزه‌ی خانواده کار می‌کنم و در پنج سال اخیر تمرکز روی مشاوره‌ی پیش از ازدواج بوده است.

ما سی درصد از مراجعانی که برای مشاوره‌ی پیش از ازدواج می‌آیند را با ارزیابی و تحلیل‌هایمان مناسب هم نمی‌دانیم. بیشتر طلاق‌های ما از دل خواستگاری‌های سنتی می‌آیند. این نشان می‌دهد که ازدواج‌های سنتی ما مشکل دارد. این ضرورت مشاوره‌های علمی و تخصصی قبل از ازدواج را معلوم می‌کند. بعد از ازدواج مخصوصاً در پنج سال اول ما بیشترین آسیب‌ها را داریم. بخش عمده‌ای از طلاق‌های زیاد سال اول زندگی به خاطر نامناسب بودن ازدواج است. بخش دیگری از این‌ها آگاه نبودن در مورد نحوه‌ی با هم بودن و بلد نبودن مهارت‌های زندگی زناشویی است.

ما در حوزه‌ی مسائل جنسی هم مشکل داریم و زوجها آموزش‌های درستی ندیده‌اند. در مورد ارتباط با همدیگر و ارتباط با خانواده‌ها هم زوج‌های ما آموزشی ندیده‌اند. خانواده‌ها هم آموزش ندیده‌اند که چگونه با زوجها ارتباط برقرار کنند. جابه‌جا ما به آموزش و مشاوره با همسران جوان و خانواده‌های‌شان نیاز داریم. مرحله‌ی سوم مشاوره‌ی سریع و به وقت توسط مشاور مجرب بعد از ناسازگاری‌ست.

ما برای انجام همین سه گام تحکیم خانواده چالش‌های اساسی داریم. در مشاوره‌ی پیش از ازدواج متأسفانه تعداد زیادی از مشاوران روان‌شناسان، روان‌پزشکان، روحانیون و حتی افراد عادی مشاوره پیش از ازدواج می‌دهند. بسیاری از افراد غیرمتخصص بر اساس اطلاعات غلط و ناقص فرهنگ سنتی می‌گویند این کیس خوب است و این کیس بد است. در حوزه‌ی دینی هم طبق بررسی‌های انجام شده، بیش از سیصد جلد کتابی که در حوزه‌ی ازدواج نوشته شده، کارهای تخصصی نیستند. روایات حوزه‌ی ازدواج را باید مثل مسایل فقهی کار علمی و با متدولوژی دقیق بررسی کرد و گفت از کجا استفاده کنیم. در حال حاضر هر کسی به خودش اجازه می‌دهد با یک حدیث که معتبر بودنش مشخص نیست و بدون توجه به این‌که خطاب به چه قومی و در چه زمانی گفته شده، به عنوان یک حکم دینی استفاده کند.

در حوزه‌ی آموزش روان‌شناسی هم از لیسانس تا دکتری حتی روان‌شناسی بالینی، مشاوره و مشاوره‌ی خانواده، سرفصلی با عنوان مشاوره‌ی پیش از ازدواج نداریم. ما در مساله‌ی مهم ملاک‌های ازدواج همچنان اختلاف داریم. راه‌های تشخیص ملاک‌ها هم همچنان مبهم است. مثلاً اگر دینداری یک ملاک است، چگونه می‌شود آن را سنجید؟ اگر عقل ملاک است، چه طور می‌توان آن را سنجید؟ وقتی به سنجش ملاک‌های مبهم‌تری مثل نجابت و اصالت خانوادگی می‌رسیم، قضیه بغرنج‌تر می‌شود. چون ملاک‌های اصلی شناختش سخت است، به ملاک‌های خیلی عینی مانند زیبایی، پول و مدرک می‌رسیم. درحالی‌که مهم‌ترین مساله در ازدواج، مساله‌ی شخصیت سالم است.

در کتاب «عشق دیوانه‌وار» که اخیراً انتشارات رشد آن را منتشر کرده، ۱۰ نوع اختلال شخصیت بر مبنای طبقه‌بندی بیماری‌های روانی معرفی شده و توصیه می‌شود آن‌ها را قبل از ازدواج بشناسید و مطمئن باشید بعد از ازدواج هم عوض نمی‌شوند.

نویسنده‌ی آمریکایی کتاب توصیه می‌کند برای شناخت این اختلالات، ارتباط زیاد و طولانی قبل از ازدواج برقرار کنید و برای شناخت کامل‌تر نشانه‌ها از کتاب خودش استفاده کنید. این در فرهنگ ما ممکن نیست. چون در فرهنگ ما ارتباط طولانی قبل از ازدواج تعریف نشده و از سوی دیگر ارتباط طولانی علاقه و صمیمیت عاطفی می‌آورد و باعث می‌شود خطاها نادیده گرفته شود. بهترین راه مشاوره است، اما ما در مشاوره‌ی پیش از ازدواج وحدت رویه نداریم. ضمن این‌که مشاوره‌ی پیش از ازدواج هزینه‌های زیادی هم می‌برد. نه بیشتر مردم توان مالیش را دارند و نه بیمه حمایت می‌کند.

در آموزش‌های بعد از ازدواج هم همین مسایل را داریم. با این‌که کتاب‌ها و بسته‌های آموزشی زیادی نوشته شده، اما آموزش‌ها مبتنی بر مهم‌ترین عوامل مشکل‌زای بعد از ازدواج نیست. مشاوره‌های بعد از ازدواج هم مشکل دارد. مشاوره بعد از ازدواج یعنی ما با شکایتی که همسران می‌کنند، چگونه برخورد کنیم؟ بسیاری از نسخه‌های ما متناسب با فرهنگمان نیست. مثلاً آیا می‌توانیم پدر و مادر همسرانی که اختلاف دارند را نقد کنیم و به همسران بگوییم کلاً رابطه‌تان را با پدر و مادران قطع کنید؟ ما نمی‌توانیم خانواده را به سرعت کنار بگذاریم.

در هنگام طلاق در مشاوره‌های پیش از طلاق دادگاه‌ها با این‌که بهزیستی ورود کرده اما کامل نیست. ما همچنان نیاز داریم که در مورد مشاوره‌ی هنگام درگیری در دادگاه‌ها کاری کنیم. بعد از طلاق باید کار جدی انجام بگیرد. مشاوره به افراد مطلقه به خصوص دختران مطلقه، یکی از این کارهاست که از آسیب‌های متعدد بعد از طلاق جلوگیری می‌کند. مردها هم همین‌طور. مردها شکننده‌ترند و بعد از طلاق ممکن است به انحراف و اعتیاد کشیده شوند. طلاق یک مصیبت است که تمام مراحل که بعد از داغدیدگی در روان‌شناسی در نظر گرفته شده در طلاق دیده می‌شود. این را هم روان‌شناس‌ها باید بدانند و هم خانواده‌ها. ما برای بحران بعد از طلاق آماده نشده‌ایم.

طلاق مثل یک زلزله خانه و خانمان را خراب می‌کند. ما باید بعد از زلزله هم مداخله کنیم. ما در کشوری زندگی می‌کنیم که این‌قدر طلاق داریم اما کمتر از ۵ کتاب درست در مورد طلاق داریم. البته ما پنج سال است که در مجله‌ی خودمان سپیده دانایی بخش مدیریت بعد از طلاق داریم، اما هیچ‌کدام از رسانه‌های مکتوب دیگر به‌طور مرتب این کار را نکرده‌اند.

تلخیص بخشی از یک گفت‌وگو درباره بررسی علل طلاق در سال اول ازدواج